

الله

تعهدنامه‌ی اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادّی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به **دانشگاه محقق اردبیلی** می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه محقق اردبیلی، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب جواد دری پارسا دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی روان‌شناسی گرایش عمومی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی به شماره‌ی دانشجویی ۹۰۱۱۱۵۳۲۰۷ که در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۹ از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان تأثیر پیام‌های زیر آستانه‌ای بر بازشناسی حالات هیجانی چهره در بین دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

- (۱) این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به‌عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.
- (۲) مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.
- (۳) این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.
- (۴) در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقررات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مأخذ ذکر نموده‌ام.
- (۵) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هرگونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.
- (۶) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه محقق اردبیلی را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.
- (۷) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه محقق اردبیلی را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو: جواد دری پارسا

امضا

تاریخ



دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی
گروه آموزشی روان‌شناسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی روان‌شناسی گرایش عمومی

عنوان:

تأثیر پیام‌های زیر آستانه‌ای بر بازشناسی حالات هیجانی چهره در بین دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری

اساتید راهنما:

دکتر محمد نریمانی

و

دکتر عادل زاهد بابلان

پژوهشگر:

جواد دری پارسا

تابستان ۱۳۹۲



دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی
گروه آموزشی روان‌شناسی
پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی روان‌شناسی گرایش عمومی

عنوان:

تأثیر پیام‌های زیر آستانه‌ای بر بازشناسی حالات هیجانی چهره در بین دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری

پژوهشگر:

جواد دری پارسا

ارزیابی و تصویب شده‌ی کمیته‌ی داوران پایان‌نامه با درجه‌ی عالی

امضاء	سمت	مرتبه‌ی علمی	نام و نام خانوادگی
	استاد راهنما و رییس کمیته‌ی داوران	استاد	محمد زیمانی
	استاد مشاور	دانشیار	عادل زاهد بابلان
	داور	دانشیار	عباس ابوالقاسمی

شهریور ۱۳۹۲

تقدیم به سه وجود مقدس :

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم...

موهایشان سفید شد تا ما رو سفید شویم...

و عاشقانه سوختند تا گرما بخش وجود ما و روشنگر راهمان

باشند...

مادرانمان

پدرانمان

استادانمان

سپاس گذاری...

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان
بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان
شد و به همنشینی رهروان علم و دانش
مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و
معرفت را روزیمان ساخت.

نام خانوادگی دانشجو: دری پارسا	نام: جواد
عنوان پایان نامه: تأثیر پیام های زیر آستانه ای بر بازشناسی حالات هیجانی چهره در بین دانش آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری	
اساتید راهنما: دکتر محمد نریمانی و دکتر عادل زاهد بابلان	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: روان شناسی گرایش: عمومی	
دانشگاه: محقق اردبیلی دانشکده: علوم تربیتی و روان شناسی تاریخ دفاع: ۱۳۹۲/۶/۱۹ تعداد صفحات: ۱۲۵	
چکیده: <p>پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تحریک های زیرآستانه ای بر بازشناسی تظاهرات هیجانی چهره و همچنین مقایسه ی دو گروه کودکان با ناتوانی یادگیری و عادی در بازشناسی تظاهرات هیجانی چهره صورت گرفت. دویست و هفتاد آزمودنی در پژوهش حاضر شرکت کردند: نمونه ی پژوهش شامل ۱۳۵ دانش آموز عادی و ۱۳۵ دانش آموز با ناتوانی یادگیری می شد. آزمودنی ها برای مقایسه تأثیرات پیام های زیرآستانه ای صوتی، تصویری و لغت در نه گروه قرار گرفتند. در این پژوهش آزمودنی ها در گروه های مجزا، با سه دسته از تحریکات زیرآستانه ای تصویری، صوتی و لغت مواجه شدند. برای هر کدام یک از آزمودنی ها زمان واکنش مربوطه در پاسخ به هر یک از شش ابراز هیجانی محاسبه شد. همچنین، دانش آموزان عادی و با ناتوانی یادگیری در بازشناسی تظاهرات هیجانی چهره مقایسه شدند. الگوی تحریک زیرآستانه ای تصویری به همراه تحریک های مختلفی از تظاهرات هیجانی چهره به کار گرفته شد: هیجان مثبت (شادی) و هیجان منفی (غمگینی)، که هر کدام به مدت حدود سی هزارم ثانیه مکررا نمایش داده می شدند. برای نشان دادن تأثیر تحریک های زیرآستانه ای لغت نیز، آزمودنی ها در هنگام بازشناسی تظاهرات هیجانی چهره، با لغات با بار هیجانی مثبت، منفی و خنثی مواجه شدند. همچنین در این پژوهش، تأثیرات تحریک های زیرآستانه ای صوتی با عبارات برگردان با بار هیجانی مثبت و منفی نیز مورد آزمایش قرار گرفت. نتایج، تأثیر قوی تحریک زیرآستانه ای با تصویری از ابراز هیجان مثبت را بر پاسخ دهی بیشتر به تظاهرات چهره ای شادی را نشان داد. با این وجود، تأثیر تحریک زیرآستانه ای تصویری از ابراز هیجان هیجان منفی برای بازشناسی تظاهرات چهره ای غم، تنها در گروه دانش آموزان با ناتوانی یادگیری بدست آمد. در مجموع نتایج پژوهش نشان داد که واکنش های هیجانی مثبت و منفی می توانند به صورت ناخودآگاه فراخوانده شوند البته نتایج نتوانستند برای تحریکات زیرآستانه ای صوتی شواهد قابل توجهی را بیابند. همچنین در بین آزمودنی هایی که به بازشناسی تظاهرات هیجانی به همراه لغات با بار هیجانی پرداختند، دانش آموزانی که با پیام زیرآستانه ای لغت با بار هیجانی مثبت مواجه شده بودند بیشتر از دو گروه دیگر در تشخیص هیجان ترس موفق عمل کردند، این بدین معناست که آنها بیشتر از سایرین کلید مربوط به هیجان ترس را فشردند. علاوه بر این، پژوهش اخیر نشان داد که، دانش آموزان بدون ناتوانی یادگیری در بازشناسی ابراز هیجانی غم بهتر از سایر همتایان با ناتوانی یادگیری شان عمل کردند، این در حالی است که دو گروه تفاوت معناداری در بازشناسی سایر هیجان ها نداشتند. در مجموع، نتایج نشان دادند که تصاویر زیرآستانه ای از ابرازات هیجانی چهره می تواند واکنش های هیجانی مثبت و منفی را به طور ناخودآگاه فراخواند.</p>	
کلید واژه ها: بازشناسی ابرازات هیجانی چهره، تحریک زیرآستانه ای هیجانی، ناتوانی یادگیری	

فهرست مطالب

شماره و عنوان مطالب	صفحه
فصل اول: کلیات پژوهش	
۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- بیان مساله.....	۶
۳-۱- اهداف طرح.....	۹
۴-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۱۱
۵-۱- فرضیات پژوهش.....	۱۲
۶-۱- تعاریف عملیاتی و نظری متغیرها.....	۱۴
۷-۱- سوالات طرح.....	۱۵
فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش	
۱-۲- ناتوانی های یادگیری	۱۸
۲-۲- سبب شناسی ناتوانی یادگیری	۱۹
۳-۲- پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با ناتوانی یادگیری	۲۱
۴-۲- تفاوت ها در بهره هوشی دانش آموزان با ناتوانی های یادگیری	۲۵
۵-۲- شناخت و پردازش اطلاعات در دانش آموزان با ناتوانی های یادگیری	۲۶
۶-۲- ویژگی های اجتماعی و هیجانی دانش آموزان با ناتوانی یادگیری	۲۸
۷-۲- شایستگی اجتماعی در افراد با ناتوانی یادگیری.....	۲۹
۸-۲- تظاهر الگوهای اصلی رفتار در جانوران عالی	۳۱
۹-۲- بعد ترس	۳۱
۱۰-۲- تضاد ترس و خشم.....	۳۴
۱۱-۲- بعد خشم	۳۵
۱۲-۲- بعد شادی	۳۷
۱۳-۲- بعد اندوه	۳۷
۱۴-۲- بعد تنفر	۳۸

۳۹.....	۱۵-۲- بعد تعجب.....
۴۰.....	۱۶-۲- ادراک کودکان از هیجان های اولیه
۴۴.....	۱۷-۲- ماهیت روان درمانی با نظر بر هیجان ها
۴۵.....	۱۸-۲- سلامت روانی و هیجان ها
۴۶.....	۱۹-۲- بازشناسی تظاهرات هیجانی چهره
۵۱.....	۲۰-۲- بازشناسی هیجان در کودکان با تاتوانی یادگیری
۵۳.....	۲۱-۲- پیام های زیرآستانه ای
۵۷.....	۲۲-۲- پردازش ناهشیار محرک های عاطفی.

فصل سوم: مواد و روش پژوهش

۶۳.....	۱-۳- روش
۶۳.....	۲-۳- جامعه، نمونه و روش نمونه گیری
۶۴.....	۳-۳- آزمون بازشناسی تظاهرات هیجانی چهره
۶۵.....	۴-۳- آزمون تصاویر زیرآستانه ای از تظاهرات هیجانی چهره
۶۵.....	۵-۳- آزمون پیام زیرآستانه ای لغات با بار هیجانی مثبت، منفی و خنثی
۶۶.....	۶-۳- آزمون پیام زیرآستانه ای صوتی با عبارات برگردان با بار هیجانی مثبت و منفی.....
۶۶.....	۷-۳- روش اجرا.....

فصل چهارم: نتایج و یافته های پژوهش

۶۹.....	۱-۴- مقدمه
۷۰.....	۲-۴- یافته های توصیفی
۷۸.....	۳-۴- یافته های استنباطی.....

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۱۰۶.....	۱-۵- بحث و نتیجه گیری.....
۱۱۱.....	۲-۵- محدودیت های پژوهش
۱۱۲.....	۳-۵- پیشنهادات پژوهش
۱۱۴.....	۴-۵- فهرست منابع و مأخذ.....
۱۲۲.....	۵-۵- پیوست ها و ضمائم.....

فهرست جدول‌ها

شماره و عنوان جدول	صفحه
جدول ۴-۱: توزیع فراوانی دانش آموزان بدون ناتوانی یادگیری.....	۷۰
جدول ۴-۲: توزیع فراوانی دانش آموزان با ناتوانی یادگیری در گروه‌ها.....	۷۱
جدول ۴-۳: میانگین و انحراف استاندارد پاسخ‌های دانش آموزان به ابرازات هیجانی چهره در گروه‌هایی که با هیچ پیام زیرآستانه‌ای مواجهه نشده‌اند و گروه‌هایی که با پیام زیرآستانه‌ای از ابرازات هیجانی چهره مواجهه شده‌اند.....	۷۲
جدول ۴-۴: میانگین و انحراف استاندارد پاسخ‌های دانش آموزان به ابرازات هیجانی چهره در گروه‌هایی که با پیام‌های زیر آستانه‌ای صوتی مواجهه شده‌اند.....	۷۴
جدول ۴-۵: میانگین و انحراف استاندارد پاسخ‌های دانش آموزان به ابرازات هیجانی چهره در گروه‌هایی که با پیام‌های زیر آستانه‌ای لغات با بار هیجانی مواجهه شده‌اند.....	۷۶
جدول ۴-۶: آزمون باکس برای شرط همگنی ماتریس‌های واریانس / کوواریانس.....	۷۸
جدول ۴-۷: آزمون همسانی واریانس‌های خطا.....	۷۸
جدول ۴-۸: نتایج آزمون معناداری MANOVA برای اثر اصلی متغیر گروه‌ها بر متغیرهای وابسته.....	۷۹
جدول ۴-۹: نتایج تفکیکی تحلیل واریانس مربوط به تفاوت میانگین‌های متغیرهای تحقیق در گروه‌ها.....	۷۹
جدول ۴-۱۰: آزمون تعقیبی برای مقایسه‌ی دو به دو گروه‌ها در پاسخ به ابرازات هیجانی چهره در دو گروه دانش آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری.....	۸۱
جدول ۴-۱۱: آزمون تعقیبی برای مقایسه‌ی دو به دو گروه‌ها در پاسخ به ابرازات هیجانی چهره در دو گروه دانش آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری.....	۸۳
جدول ۴-۱۲: آزمون تعقیبی برای مقایسه‌ی دو به دو گروه‌ها در پاسخ به ابرازات هیجانی چهره در گروه دانش آموزان عادی.....	۸۴
جدول ۴-۱۳: آزمون تعقیبی برای مقایسه‌ی دو به دو گروه‌ها در پاسخ به ابرازات هیجانی چهره گروه دانش آموزان با ناتوانی یادگیری.....	۸۵

- جدول ۱۴-۴: آزمون تعقیبی برای مقایسه ی دو به دوی گروه ها در پاسخ به ابرازات هیجانی چهره گروه دانش آموزان عادی..... ۸۶
- جدول ۱۵-۴: آزمون تعقیبی برای مقایسه ی دو به دوی گروه ها در پاسخ به ابرازات هیجانی چهره گروه دانش آموزان عادی..... ۸۷
- جدول ۱۶-۴: آزمون تعقیبی برای مقایسه ی دو به دوی گروه ها در پاسخ به ابرازات هیجانی چهره در گروه دانش آموزان عادی..... ۸۸
- جدول ۱۷-۴: آزمون تعقیبی برای مقایسه ی دو به دوی گروه ها در پاسخ به ابرازات هیجانی چهره در گروه دانش آموزان با ناتوانی یادگیری..... ۸۹
- جدول ۱۸-۴: جدول شماره ۱۷. آزمون تعقیبی برای مقایسه ی دو به دوی گروه ها در پاسخ به ابرازات هیجانی چهره گروه دانش آموزان با ناتوانی یادگیری..... ۹۱
- جدول ۱۹-۴: آزمون تعقیبی برای مقایسه ی دو به دوی گروه ها در پاسخ به ابرازات هیجانی چهره..... ۹۲
- جدول ۲۰-۴: آزمون تعقیبی برای مقایسه ی دو به دوی گروه ها در پاسخ به ابرازات هیجانی چهره در گروه دانش آموزان با ناتوانی یادگیری..... ۹۳
- جدول ۲۱-۴: آزمون تعقیبی برای مقایسه ی دو به دوی گروه ها در پاسخ به ابرازات هیجانی چهره در گروه دانش آموزان با ناتوانی یادگیری..... ۹۵
- جدول ۲۲-۴: آزمون باکس برای شرط همگنی ماتریس های واریانس / کوواریانس..... ۹۶
- جدول ۲۳-۴: آزمون همسانی واریانس های خطا..... ۹۷
- جدول ۲۴-۴: نتایج آزمون معناداری MANOVA برای اثر اصلی متغیر گروه ها بر متغیرهای وابسته..... ۹۷
- جدول ۲۵-۴: نتایج تفکیکی تحلیل واریانس مربوط به تفاوت میانگین های متغیرهای تحقیق در گروه ها..... ۹۸

جدول ۲۶-۴: آزمون تعقیبی برای مقایسه ی دو به دوی گروه ها در زمان واکنش به ابرازات هیجانی چهره در بین دانش آموزان با و بدون ناتوانی

یادگیری.....۹۹

جدول ۲۷-۴: آزمون تعقیبی برای مقایسه ی دو به دوی گروه ها در زمان واکنش به ابرازات هیجانی چهره در بین دانش آموزان

عادی.....۱۰۱

جدول ۲۸-۴: آزمون تعقیبی برای مقایسه ی دو به دوی گروه ها در زمان واکنش به ابرازات هیجانی چهره در بین دانش آموزان با ناتوانی

یادگیری.....۱۰۲

جدول ۲۹-۴: جدول شماره ۲۴. آزمون تعقیبی برای مقایسه ی دو به دوی گروه ها در زمان واکنش به ابرازات هیجانی چهره در بین دانش آموزان با ناتوانی یادگیری

.....۱۰۳

جدول ۳۰-۴: جدول شماره ۲۴. آزمون تعقیبی برای مقایسه ی دو به دوی گروه ها در زمان واکنش به ابرازات هیجانی چهره در گروه دانش اموزان عادی

.....۱۰۴

فصل اول:

کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

نقش اصلی برای نظام شناختی انسان، تشخیص اطلاعات اجتماعی معنادار و رفتار سازشی در تطابق با این تفسیرهاست (گروسمن و جانسون^۱، ۲۰۰۷). چهره انسان یک ابزار ارتباطی مهم برای نشان-دادن ابرازات هیجانی مختلف در انسان‌ها است. هیجان‌های مشخص، از قبیل ترس، خشم و شادی از طریق ابرازات چهره‌ای متفاوتی بیان می‌شوند (اکمن^۲، ۱۹۹۳). یکی از عناصر اساسی کارکرد هیجانی و یکی از حساس‌ترین مؤلفه‌های رفتار اجتماعی، بازشناسی حالات هیجانی دیگران است (داروین^۳، ۱۸۷۲/۱۹۶۵).

معمولاً در تحقیقات تجربی انجام گرفته درباره‌ی بازشناسی حالات هیجانی چهره از زمان چارلز داروین تاکنون، به شش نوع هیجان اشاره شده است. هیجاناتی که بر اساس تحقیقات بسیاری که در جوامع مختلف و فرهنگ‌های متفاوت انجام گرفته است، مشابه تشخیص داده می‌شوند (اکمن و فرایزن^۴، ۱۹۷۶). این شش هیجان که به هیجان‌های پایه^۵ نیز شهرت یافته‌اند شامل خشم^۶، انزجار^۷، ترس^۸، شادی^۹، غم^{۱۰} و تعجب^{۱۱} می‌باشند (داروین، ۱۸۷۲). توانایی تفسیر درست از ابرازات هیجانی چهره‌ی دیگران یک مهارت اساسی برای تعاملات موفقیت‌آمیز انسانی است و شاخص تأثیرگذاری است که با سلامت روانی ارتباط قوی و تنگاتنگی دارد (راسل، استوک، جونز، سزوگالیک و روهلد^{۱۲}، ۱۹۹۳؛ لمبک و کتر^{۱۳}، ۲۰۰۲).

-
1. Grossmann & Johnson
 2. Ekman
 - 3 Charles Darwin
 4. Friesen
 5. six basic emotion
 6. anger
 7. disgust
 8. fear
 9. happiness
 10. sadness
 11. surprise
 - 12 Russell, Stokes, Jones, , Czogalik, Rohelder
 - 13 Lembke and Ketter

افراد می توانند با خواندن، تفسیر و فهم ابرازات چهره ای، فعالیت های مناسب را بر اساس حالات ذهنی دیگران صورت دهند (بارون- کوهن، ویل رایت و جولیف^۱، ۱۹۹۷؛ باک، راپر و میچل^۲، ۲۰۰۷). همچنین ابرازات چهره ای، در رشد اجتماعی افراد و توانایی تعامل با دیگران نقش دارند (بارون- کوهن، ویل رایت و جولیفه^۳، ۱۹۹۷؛ باک، راپر و میچل، ۲۰۰۷). بازشناسی هیجانی صحیح، تنظیم هیجان را پی ریزی می کند، و در شایستگی اجتماعی سهم به سزایی دارد (گرین و باکر^۴، ۲۰۱۱؛ ایزارد، فین، شولتز، ماستو، آکرمن و یانگستروم^۵، ۲۰۱۱). برای مثال بازشناسی و تنظیم ضعیف هیجان در سنین مدرسه، کودکان را با مشکلاتی در تعامل با همسالانشان رو به رو می کند، و این احتمال را به همراه دارد که زمینه ی کم شدن دامنه ی روابط اجتماعی و حتی شرکت در فعالیت های اجتماعی را به همراه آورد (ایزارد و همکاران، ۲۰۰۱؛ تارکسترا، ویلیامز، تونکس و فرامپتون^۶، ۲۰۰۸؛ گودفیلو، نویکی^۷، ۲۰۰۹؛ استیچر، هرزوغ، ویزوفسکی، اسچمیدت، راندولف، شولتز^۸، ۲۰۱۰). تشخیص ابرازات هیجانی ممکن است دشوار باشد به این دلیل که توجه به کوچکترین تناقضات در ویژگی های صورت، از قبیل مقدار ناچیز بالا یا پایین رفتن دهان را می طلبد (جمل، موترون و داوسون^۹، ۲۰۰۶).

مفهوم نقص در پردازش هیجانی چهره اغلب از طریق ارتباطش با دامنه ای از مشکلات شدید روانپزشکی و رشدی استنباط می شود. در بزرگسالان نقص در پردازش هیجانی چهره به طور مشخص در اسکیزوفرنی (فینبرگ، ریفکین، اسکافر و والکر^{۱۰}، ۱۹۸۶؛ هیمبرگ، گور، اروین، شتسل و گور^{۱۱}، ۱۹۹۲)، افسردگی اساسی (گیلبوا، اسکرکتمن، بن-آرتیز، جچمین، ماروم و هرمش^{۱۲}، ۲۰۰۴؛ گور، اسکرودر، ترنر، مک گراف، چان و تورستکی^{۱۳}، ۲۰۰۲)، فوبی اجتماعی (گیلبوا- اسکرکتمن، فوا و امیر^{۱۴}، ۱۹۹۹)، الکسی تایمیا (لین، سکرست، ریدال، ولدون و همکاران^{۱۵}، ۱۹۹۶؛ مک دونالد و پراکچین^{۱۶}، ۱۹۹۰)، اختلالات سایکوسوماتیک (گرهاردز^{۱۷}، ۱۹۹۸)، اوتیسم (کلارک، وینکلمن و

-
1. Wheelwright & Jolliffe
 2. Back, Ropar & Mitchell
 3. Baron-Cohen, S., Wheelwright, S., & Jolliffe .
 4. Green & Baker
 5. Izard, C., Fine, S., Schultz, D., Mostow, A., Ackerman, B., & Youngstrom, E.
 6. Turkstra, Williams, Tonks, & Frampton
 7. Goodfellow & Nowicki
 8. Stichter, J. P., Herzog, M. J., Visovsky, K., Schmidt, C., Randolph, J., Schultz
 9. Jemel, Mottron, & Dawson
 10. Feinberg, Rifkin, Schaffer, & Walker
 11. Heimberg, Gur, Erwin, Shtasel, & Gur
 12. Gilboa-Schechtman, Ben-Artzi, Jeczmien, Marom & Hermesh
 13. Gur, R. C., Schroeder, L., Turner, T., McGrath, C., Chan, R. M., Turetsky, B. I., et al.
 14. Gilboa-Schechtman, Foa, & Amir,
 15. Lane, Sechrest, Reidel, Weldon, et al
 16. McDonald & Prkachin
 17. Gerhards

مکینتاش^۱، (۲۰۰۸)، بیماری هانتینگتون (اسپرنگل میر، یانگ، اسپرنگل میر، کالدر، رولند و پرت و همکاران^۲، ۱۹۹۷)، و زوال عقل کهنسالی (بروسگول، کوروچ، پلا هوینساک، اسپرات و هاولیوالا^۳، ۱۹۸۳)، برجسته است.

درکودکان و نوجوانان نقص بازشناسی هیجانی در شرایط بالینی متفاوتی نیز، مثل؛ تخریب هیجانی (زابل^۴، ۱۹۷۹؛ والکر^۵، ۱۹۸۱)، اختلال بیش فعالی و نقص توجه (بویتلار، وندرویز، سواب-برنولد و وندرگاج^۶، ۱۹۹۹)، ناتوانی های یادگیری (هولدر و کیرکپاتریک^۷، ۱۹۹۱)، و اختلال دو قطبی (بروتمن، گویر، لائوسون، هورسی، ریچ و دیکستاین^۸، ۲۰۰۸) گزارش شده است.

اگرچه اکثریت پژوهش‌ها در حیطه هیجان‌ات، بر روی محرک‌های قابل دسترس آگاهی هشیارانه انجام شده، اما هم اکنون شواهد قابل ملاحظه‌ای از این نظریه که پردازش محرک‌های عاطفی به طور معناداری بیرون از آگاهی هشیارانه اتفاق می‌افتد، حمایت می‌کنند (کونت-ویلسون و زاجونگ^۹، ۱۹۸۰؛ لی دوکس^{۱۰}، ۱۹۸۹؛ فاکس^{۱۱}، ۱۹۹۱؛ ایزارد^{۱۲}، ۱۹۹۳؛ وونگ و همکاران^{۱۳}، ۱۹۹۷، ۱۹۹۴؛ استیو پارا، دیمبرگ و اوهمان^{۱۴}، ۱۹۹۴؛ بونس، برنات، بونگ و شورین^{۱۵}، ۱۹۹۹).

در واقع پاسخ خودکار به محرک‌های عاطفی، از نظر تکاملی ویژه‌ی خطرات و ابراز هیجان‌های چهره می‌باشد، زیرا این محرک‌ها ممکن است به نوعی بر بقا یک فرد در محیط طبیعی یا اجتماعی تأثیر بگذارند، از همین رو انتظار می‌رود که به منظور کمک به بقا افراد چنین محرک‌هایی سریعاً و بدون هشیاری آگاهانه مخابره شوند (کیرستین رویز و دیدریک استاپل^{۱۶}، ۲۰۱۲).

در اغلب پژوهش‌ها، برای اثبات اینکه پردازش ناهشیاری می‌تواند به گونه‌ای پیچیده بر پردازش هشیار تأثیر بگذارد و می‌تواند به طور مجزایی از فرایندهای هشیاری راه اندازی شود، از محرک‌های زیرآستانه سود جسته شده است (شورین و فریتزler^{۱۷}، ۱۹۶۸؛ شورین و دیکمن^{۱۸}، ۱۹۸۰؛ اسنودگراس،

1. Winkielman , & McIntos

2. Sprengelmeyer, R., Young, A. W., Sprengelmeyer, A., Calder, A. J., Rowland, D., Perrett, D., et al.

3. Brosgole, Kurucz, PlaHovin sak, Sprotte, & Haveliwala

4. Zabel

5. Walker

6. Buitelaar, VanderWees , Swabb-Barneveld, & VanderGaag

7. Holder & Kirkpatrick

8. Brotman, M. A., Guyer , A. E., Lawson, E. S., Horsey, S. E., Rich, B. A., Dickstein, D. P

9. Kunst-Wilson and Zajonc

10. LeDoux

11. Fox

12. Izard

13. Wong et al

14. Esteves, F., Parra, C., Dimberg, U., Ohman

15. Bunce, S.C., Bernat, E., Wong, P.S., Shevrin

16. Ruys & stapel

17. s hevrin and Fritzler

18. Shevrin and Dickman

شورین و کوپکا^۱، ۱۹۹۳، ۱۹۹۲). در تعریف پدیده ادراک زیرآستانه ای لازم است با دو اصطلاح آشنا شویم: آستانه ی عینی و آستانه ی ذهنی. در واقع می توان گفت ادراک زیرآستانه ای، ادراکی است که از آستانه ی عینی می گذرد (یعنی توسط حواس تمیز داده می شود) اما از آستانه ی ذهنی نمی گذرد (یعنی به هشیاری نمی رسد و نمی توان آن را به زبان آورد). اگر یک محرک از آستانه ی عینی فرد عبور کند اما به آستانه ی ذهنی نرسد، آنگاه ادراک زیرآستانه ای رخ می دهد (ژاکوفسکی^۲، ۲۰۰۸؛ به نقل از دوستکام، پورحیدری، حیدری و شهیدی، ۱۳۸۹).

ارائه ی محرک های زیرآستانه ای به کار گرفته می شوند برای اثبات اینکه پردازش ناهشیار می تواند به گونه ای پیچیده بر پردازش هشیار تأثیر بگذارد و می تواند به طور متمایزی از فرایندهای هشیاری راه اندازی شود (هورین و فریتزler^۳، ۱۹۶۸؛ شورین و دیکمن^۴، ۱۹۸۰؛ اسنودگراس، شورین و کوپکا^۵، ۱۹۹۳، ۱۹۹۲). کونست- ویلسون و زاجونگ^۶ (۱۹۸۰)، نشان دادند که چگونه محرک های عاطفی ناهشیار می تواند بر ارزیابی محرک های هشیار تأثیر بگذارد. شواهدی همچنین در دسترس است که مطرح می کنند که شرطی آزارنده می تواند بدون آگاهی هشیارانه اتفاق بیافتد این موضوع توسط پاسخ- های مغزی (وونگ، شورین و ویلیامز^۷، ۱۹۹۷)، ماهیچه نگاری برقی (EMG^۸) (بونس و همکاران^۹، ۱۹۹۹)، و گرمای پوست (اوهمان، استیو و سوارز^{۱۰}، ۱۹۹۵) نشان داده شده است. بر همین اساس چندین پژوهش نشان داده اند که ابرازات چهره ای هیجان از قبیل خشم، ترس و شادی که به صورت زیرآستانه ای ارائه می شوند می توانند بر پاسخ هیجانی افراد بدون آگاهی هشیارانه تأثیر بگذارند (استیوز و همکاران^{۱۱}، ۱۹۹۴، موناهان^{۱۲}، ۱۹۹۸؛ موناهان و زاکرمن^{۱۳}، ۱۹۹۹؛ چانوف^{۱۴}، ۲۰۰۰؛ دیمبرگ، تونبرگ و المد^{۱۵}، ۲۰۰۰).

بر پایه چنین پژوهش هایی، پژوهش حاضر به دنبال آن است که به بررسی تاثیر ادراکات زیرآستانه- ای بر بازشناسی ابرازات هیجانی چهره بپردازد.

1. Snodgrass, M.; Shevrin, H.; Kopka, M
2. Jakowski
3. hevrin and Fritzler
4. Shevrin and Dickman
5. Snodgrass, M.; Shevrin, H.; Kopka,
6. Kunst-Wilson and Zajonc
7. Wong, P.S., Shevrin, H., Williams, W.J.
8. Electromyogram
9. Bunce
10. Ohman, A., Esteves, F., Soares, J.
11. Esteves et al.
12. Monahan
13. Monahan and Zuckerman
14. Channouf
15. Dimberg, U., Thunberg, M, Elmehed



۱-۲- بیان مساله

هیجان‌ها بر تمامی زندگی ما تاثیر گذارند. آن‌ها می‌توانند روابط ما را شکل دهند و فعالیت‌های ما را برانگیزانند. انسان‌ها در زندگی روزمره خود با انواع هیجان‌ها رودرو هستند. بازشناسی هیجان‌ها به دوره نوزادی برمی‌گردد. نوزادان از بدو تولد برخی از هیجان‌ها را با خود دارند. هیجان‌ها کارکردهای مختلفی دارند که یکی از آن‌ها کارکرد اجتماعی و ارتباطی است. به منظور داشتن ارتباط اجتماعی مناسب، افراد باید بتوانند عواطف دیگران را از رفتار کلامی و غیرکلامی آن‌ها تشخیص دهند و آن را به درستی مورد ارزیابی قرار دهند تا بتوانند به انتظارات طرف مقابل خود پاسخ درستی دهند. جلوه‌های هیجانی چهره، بیانگر حالت‌های درونی افراد، خلق، نیازها و قصد و غرض آن‌هاست.

هیجان‌های منعکس شده در چهره دیگران، علایم مهمی در هدایت رفتار ما در زندگی روزانه است. شکست یا نقص در پردازش دقیق ابرازات چهره پیامدهای اجتماعی منفی در پی دارد. توانایی بازشناسی هیجان‌های دیگران، اصلی مهم در تعاملات اجتماعی موفق است. تا آنجا که یادگیری شناسایی آن‌ها و این که مردم چگونه آن‌ها را پنهان می‌کنند نه فقط برای پلیس، روان‌درمانی، سلامتی و یا حفاظت فرودگاه بلکه برای مردم عادی نیز مفید است. بنابراین بازشناسی ابرازات چهره‌ای دیگران یک مهارت اجتماعی مهم تلقی می‌شود (اکمن^۱، ۱۹۸۲).

بازشناسی نادرست هیجان زمینه را برای عملکرد نادرست اجتماعی فراهم می‌کند (پرساد و پولیوی^۲، ۱۹۹۳؛ سورگولادز، یانگ، گیلداز، تراویس و فلیپس^۳، ۲۰۰۴). پر واضح است که نقص در انتقال و یا دریافت اطلاعات بدنی شکل^۴، باعث بروز مشکلات عدیده در روابط فرد با خود و دیگران می‌گردد و روابط هیجانی - ارتباطی وی را در معرض خطر قرار می‌دهد. به هر صورت، بر اساس مطالعات عصب شناختی، نقص در بازشناسی هیجانی چهره یک اختلال شناختی ویژه محسوب می‌شود و موضوع تحقیقات و پژوهش‌های بسیار بوده است.

در تعاریف مختلفی که از ناتوانی‌های یادگیری ارائه شده به بدکاری‌های اجتماعی و هیجانی این افراد اشاره ای نشده است. در حالی که دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری سطح بالایی از مشکلات اجتماعی هیجانی را در مقایسه با دانش‌آموزان بهنجار از خود نشان می‌دهند (سیدریدیس^۵، ۲۰۰۷؛ کلاسن و لینچ^۶، ۲۰۰۷؛ آوریچ، گراس-تیسر، مانور و شالوو^۱، ۲۰۰۸). تحقیقات نشان می‌دهد بین ۳۸ الی

1. Ekman

2. Persad & Polivy

3. Surguladze, Young, Gildas, Travis & Phillips

4. somatoform

5. Sideridis

6. Klassen & Lynch

۷۸ درصد کودکان دارای نارسایی‌های هیجانی، دارای اختلالات یادگیری نیز می‌باشند (فسلر، روزنبرگ و روزنبرگ^۲، ۱۹۹۱؛ فرستاد، توپولوسکی، ولر^۳، ۱۹۹۲). بنابراین یکی از مشکلات احتمالی در افراد دارای اختلال یادگیری، نارسایی هیجانی است که به ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها گفته می‌شود. نارسایی هیجانی سازه‌ای است چندوجهی متشکل از دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات برای دیگران و جهت‌گیری فکری بیرونی (تیلور، بگبی^۴، ۲۰۰۰). ویژگی‌های اصلی نارسایی هیجانی عبارتند از: ناتوانی در بازشناسی و توصیف کلامی هیجان‌های شخصی، فقر شدید تفکر نمادین که آشکارسازی بازخوردها، احساسات، تمایلات و سائق‌ها را محدود می‌کند، ناتوانی در به‌کارگیری احساسات به عنوان علایم مشکلات هیجانی، تفکر انتزاعی در مورد واقعیت‌های کم‌اهمیت بیرونی، کاهش یادآوری رویاها، دشواری در تمایز بین حالت‌های هیجانی و حس‌های بدنی، فقدان جلوه‌های عاطفی چهره، ظرفیت برای همدلی و خودآگاهی (تول، میداگلیا و رویمر^۵، ۲۰۰۵).

پژوهش‌های صورت گرفته بر روی حیوانات مطرح می‌کنند که پاسخ وابسته به ترس توسط گذرگاه زیر قشری که از تالاموس مستقیماً به آمیگدال هدایت می‌شود فراخوانده می‌شود، این فرایند به هیجان (و به طور خاص تهدید) اجازه می‌دهد که به طور خودکار و خارج از هشیاری پردازش شود. در انسان شواهدی برای ادراک ناهشیار وجود دارد شواهدی که در اثر مواجهه با هیجان چهره‌ای پنهان شده^۶ (پیام زیرآستانه‌ای از ابراز هیجانی چهره)، از گزارشات آزمودنی‌ها، واکنش‌های خودکار، اندازه‌گیری‌های تصاویر مغزی از جمله موج نمای الکتریکی مغز (EEG^۷) و پتانسیل وابسته به رویداد (ERPs^۸) به دست آمده است (موریس و دولان^۹، ۲۰۰۱). همچنین مشخص شده که محرک‌های ناهشیار، به محتوای هیجانی تحریک‌ها حساسند، این موضوع توسط مقیاس‌های زیست‌شناختی و رفتاری متفاوت، آشکار شده است (لانگ، برادلی و کاتبرت^{۱۰}، ۱۹۹۷).

اگرچه وجود تاثیرات ناهشیار پذیرفته شده است اما این سوال که رمزگشایی هیجانی نیز ناهشیار صورت می‌پذیرد، همچنان سوالی است که مسیر پاسخ به آن باز نگه داشته شده و پژوهش‌های هرچه بیشتری را در این حوزه می‌طلبد. تنها شمار محدودی از پژوهش‌ها اثرات معناداری را برای تفسیر و

-
1. Auerbach , Grus-Tsur ,Manor & Shalev
 2. Fessler , Rosenberg & Rosenberg
 3. Fristad , Topolosky & Weller
 4. Taylor & Bagby
 5. Tull , Medaglia & Roemer
 6. Masking
 7. Electroencephalogram
 8. Event related potential
 9. Morris & Dolan
 10. Lang, Bradley & Cuthbert

تعبیر هشیارانه یا ناهشیارانه هیجانات چهره ای بر پایه‌ی تاثیر القا یا تحریک زیر آستانه‌ای به دست آورده اند (بتی و تایلور^۱، ۲۰۰۳ و هولمز، وویلومیر و ایمر^۲؛ ۲۰۰۳).

مطالعات نشان داده است که واکنش‌های هیجانی با دیدن چهره می‌توانند خیلی سریع رخ دهند و به نوبه‌ی خود برای قضاوت درباره‌ی هیجان چهره مورد استفاده قرار گیرند. پژوهش‌های اخیر نیز نشان داده‌اند که انسان به طور فعال جلوه‌های چهره‌ای را به منظور درک و بازشناسی هیجان جستجو می‌کند (آدلفز، ۲۰۰۶). این گفته‌ی اکمن (۲۰۰۳) که انسان‌ها پیام‌های هیجانی را از طریق جلوه‌های هیجانی تفسیر می‌کنند، نقش جلوه‌های چهره‌ای را در زندگی روزمره آشکار می‌سازد.

چوی (۲۰۰۹)، در پژوهش جالبی فرضیه تاثیر ویژگی‌های شخصیتی فرد بر ادراک و تفسیر جلوه‌های چهره‌ای را نشان داد. در این مطالعه به ۷۴۰ دانشجو چهره‌هایی را که به صورت دیجیتالی محو و مبهم شده بودند نشان داده و از آن‌ها خواسته شد، تشخیص دهند که کدام یک از این چهره‌ها نشان دهنده‌ی خشم، ترس، نفرت، تعجب یا شادی است. دانشجویانی که خود را جمهوری خواه ارزیابی کرده بودند، بیشتر از دموکرات‌ها احتمال داشت که چهره‌های مبهم را با هیجانی تهدید کننده‌تر مثل نفرت یا خشم ارزیابی نمایند.

همچنین پژوهش‌هایی که به مطالعه‌ی هیجان‌ها در آزمودنی‌های ناب‌هنگار پرداخته‌اند نیز نشان دهنده‌ی سوگیری انتخابی این افراد در پردازش هیجانی بوده اند (استرلینگ، الی و کلارک^۳، ۲۰۰۶). به عنوان مثال، در مطالعه‌ای که به منظور بررسی سوگیری انتخاب در پردازش چهره‌های هیجانی در بیماران افسرده‌ی بهبود یافته و بهبود نیافته و گروه سالم انجام گرفت، هردو گروه افسرده‌های بهبود یافته و بهبود نیافته به طور انتخابی به چهره‌های غمگین گرایش داشتند در حالی که گروه گواه به چهره‌های شاد گرایش نشان دادند (جوorman و گاتلیب^۴، ۲۰۰۷).

اخیرا شماری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آگاهی هشیارانه از تحریک محرک‌ها، برای این منظور که محرک‌ها تاثیراتی را ایجاد کنند ضروری نیست. برای نمونه برگ و پیتروموناکو^۵ (۱۹۸۲) دریافتند که شرکت کنندگانی که به طور زیرآستانه‌ای با محرک‌های خصمانه مواجه شده بودند، نسبت به شرکت کنندگانی که تحریک نشده بودند، بیشتر چهره‌ی خنثی را خصمانه درجه بندی می‌کردند. در تعریف پدیده ادراک زیرآستانه‌ای لازم است با دو اصطلاح آشنا شویم: آستانه‌ی عینی و آستانه‌ی ذهنی. در واقع می‌توان گفت ادراک زیرآستانه‌ای، ادراکی است که از آستانه‌ی عینی می‌گذرد (یعنی توسط حواس تمیز داده می‌شود) اما از آستانه‌ی ذهنی نمی‌گذرد (یعنی به هشیاری نمی‌رسد و نمی‌توان آن را به زبان

1. Batty&Taylor

2. Holmes, Vuilleumier & Eimer

3. Stirling, Eley& Clark

4. Joorman & Gotlib

5. Bargh & Pietromonaco